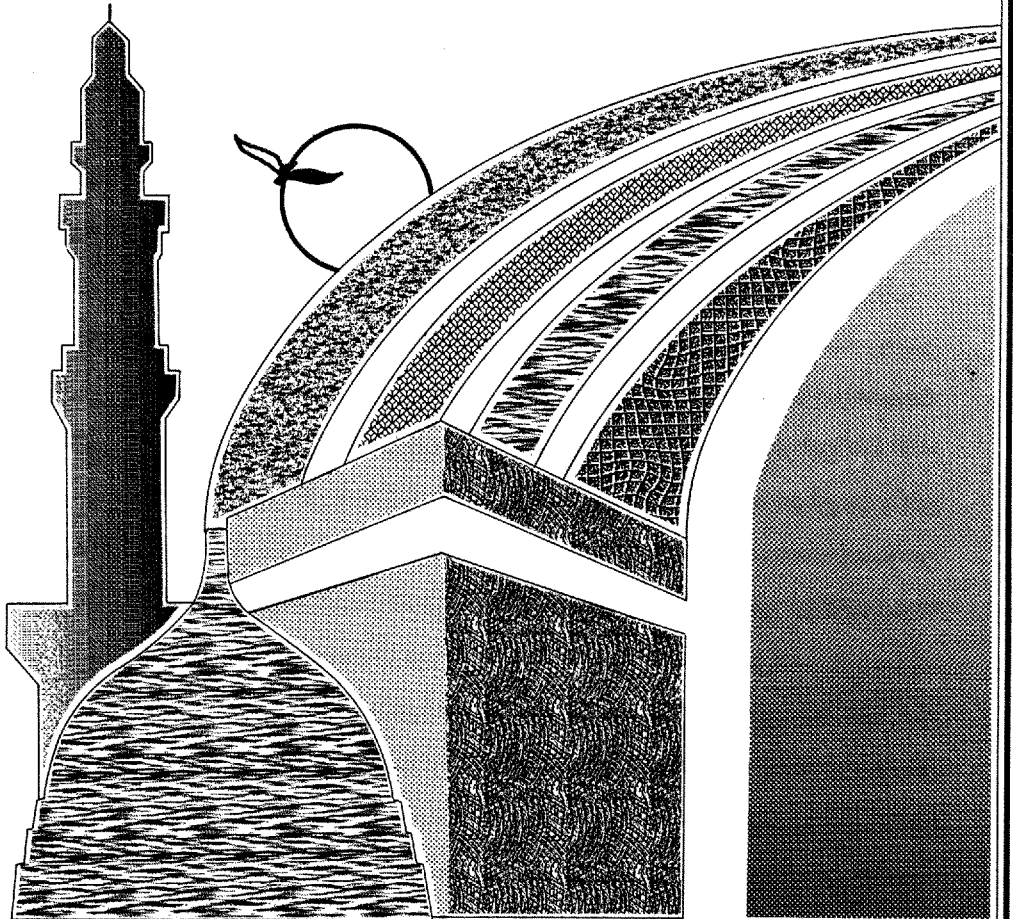
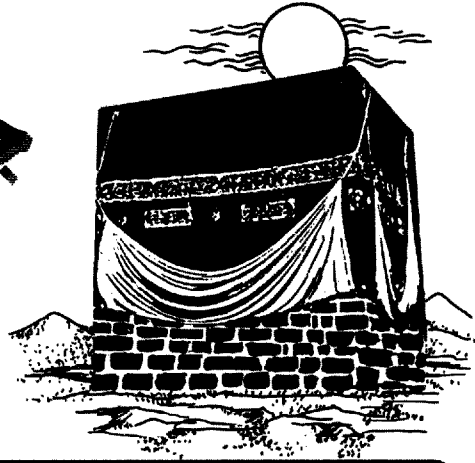


تاریخ و حصال



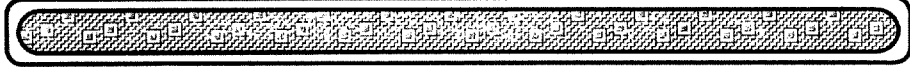
جامه کعبه معظمه

در طول تاریخ (۱)



نوشته: دکتر السید محمد الدقن

ترجمه: هادی انصاری



پوششی برای کعبه فراهم آورد.

درباره نخستین کسی که کعبه را پیش از اسلام به وسیله جامه پوشانید، روایات متعددی وجود دارد. بطوری که روایتی می‌گوید: اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام نخستین شخصی بود که در این باره اقدام کرد. روایت دیگر، آن را به عدنان جدّ الوالی رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داده است و سومین روایت این عمل را به «تبع ابو کرب أسعد» پادشاه حمیر^۲ منسوب می‌کند.

تاریخ نگاران بسیاری، نه تنها این مطلب را ترجیح داده‌اند، بلکه در مواردی تأکید کرده‌اند که «تبع»، پادشاه حمیر، نخستین کسی است که در دوران جاهلیت، کعبه مکرمه را به وسیله جامه پوشانید. در

بخش نخست:

جامه کعبه معظمه پیش از اسلام

۱ - جامه تبع حمیری برای کعبه مکرمه ابراهیم خلیل به همراه فرزند خود اسماعیل علیه السلام با نهادن سنگ‌ها بر روی یکدیگر و بدون بکارگیری گل و یا گچ در آن، خانه کعبه را بنیان نهادند. این خانه بدون در و سقف بود و تنها در سمت شرقی آن، قسمتی از دیوار را باز گذاشتند تا برای ورود به داخل کعبه از آن استفاده شود. در آن زمان، کعبه پوششی نداشت؛ زیرا آن حضرت نه فرمانی از خداوند در این زمینه دریافت کرده بود و نه به پارچه و یا پوست و حصیری^۱ دسترسی داشت تا از آنان



«تَبِعَ» بر کعبه مشرفه، چنین می‌نویسد: «تَبِعَ و قوم او از بت‌پرستان به شمار می‌آمدند. آنان به سوی مکه حرکت کردند تا اینکه به سرزمین میان «عسفان» و «أمج» رسیدند. در این هنگام گروهی از قبیله «هذیل» به او برخورد نموده، و گفتند: ای پادشاه، آیا می‌خواهی تو را به خانه‌ای که اموال و ثروتهای زیادی دارد و از دید پادشاهان پیشین مخفی مانده است راهنمایی کنیم؛ خانه‌ای که در آن مقدار فراوانی لؤلؤ و زبرجد و یاقوت و طلا و نقره وجود دارد؟ پادشاه گفت: آری. آنان در پاسخ گفتند: خانه‌ای است در مکه که مردمانش آن را عبادت کرده و در کنارش نماز بیای می‌دارند.

گفتنی است هذیلیان با آگاهی از این موضوع که هرگاه پادشاهی قصد آن خانه را کند و در آن ظلم نماید نابود می‌گردد، بدینوسیله قصد هلاک و نابودی تبیع را به دل داشتند. «تَبِعَ» پس از شنیدن سخنان هذیلی‌ها، به دنبال دوکاهن، که در میان همراهان خود بودند، فرستاد و در این باره از آنان نظرخواهی کرد.

آنان به تبیع گفتند: این پیشنهاد، تنها برای از میان بردن تو و سپاهیان می‌باشد؛ زیرا ما خانه‌ای که از آن خدا باشد، جز در

این باره حدیثی به وسیله ابو هریره از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند که آن حضرت مردم را از سب «اسعد حمیری»، که همان تبیع بوده، برحذر داشت؛ زیرا ایشان فرموده‌اند: او اولین شخصی است که بر کعبه جامه پوشانید.^۳

ازرقی و محب‌الدین طبری و تقی‌الدین فاسی پس از ذکر این حدیث، گفته‌اند محمد بن اسحاق گوید: «از تنی چند از اهل علم شنیدم که نخستین کسی که بر کعبه جامه تمام پوشانید تبیع است که همان اسعد می‌باشد.» و آنها دو روایت دیگر را نفی نکرده‌اند.

بنابراین، از قید «جامه کامل» استفاده می‌شود که کعبه پیش از «تَبِعَ» به وسیله جامه غیر کاملی پوشانیده شده است.

در نتیجه روایات سه‌گانه را می‌توان بدین صورت جمع کرد که: در آغاز، حضرت اسماعیل ع اولین شخصی بوده که بر کعبه جامه پوشانده است، و سپس عدنان اولین فردی بوده که بعد از حضرت اسماعیل جامه را بر کعبه پوشانیده لیکن این جامه‌ها به صورت کامل نبوده است. آنگاه «تَبِعَ» نخستین شخصی بوده است که جامه کامل را بر کعبه مکرمه قرار داده است.

ابن هشام در سیره‌اش، در باره جامه

این سرزمین نمی‌شناسیم.

تبع از کاهنان پرسید: در صورتی که بدان سرزمین قدم گذارم، به نظر شما چه کاری را انجام دهم صواب است؟

آن دو در پاسخ گفتند: هرکاری را که ساکنان آن سرزمین در باره آن انجام می‌دهند، انجام دهی، یعنی بر گرد آن طواف کنی و آن را تعظیم و تکریم نمایی، سر خود را در کنارش بتراشی و همچنان خود را در کنار بیت، خوار و کوچک شماری تا زمانی که از آن سرزمین خارج شوی!

تبع گفت: پس چه چیزی شما را مانع شده است که چنین نکنید؟

آن دو گفتند: به خدا سوگند که آن، خانه پدرمان ابراهیم است و پیش از این نیز به شما گفته بودیم، لیکن ساکنان آن به وسیله بت‌های خویش که در اطراف آن خانه قرار دادند، میان ما و آن جدایی انداختند. به خدا سوگند آنان با خونریزی که در کنار خانه به وجود آوردند، نجس و مشرکند و ما جز نیکی برای شما چیزی آرزو نداریم.

در این هنگام «تبع» به گفته و پند آنان ایمان آورد و دستور داد گروه هدیلان را نزد او آورده، دستها و پاهایشان را قطع کردند. سپس رو به سوی مکه نهاده، بر گرد خانه طواف به جای آورد و از آن پس در

کنار بیت قربانی کرد و سر خویش را تراشید. تبع شش روز در مکه اقامت گزید و در این ایام با قربانی‌های فراوان، مردم آن را اطعام کرد و شربت عسل بدانان داد.

تبع شبی در خواب دید که جامه‌ای بر کعبه می‌پوشاند، او این مرتبه دید که کعبه را با پارچه ضخیمی^۴ پوشانید.

بار دیگر در خواب دید که کعبه را جامه‌ای زیباتر می‌پوشاند، پس آن را با پارچه‌ای بنام «معاقر»^۵ پوشش داد. دگر بار او در رؤیا این چنین دید که کعبه را با جامه‌ای زیباتر از پیشین می‌پوشاند پس آن را با پارچه لطیف و نرمی که معروف به «ریط» است پوشانید. این پارچه قرمز راه راه یمنی بود.

ابن هشام در پایان سخن خویش این چنین می‌گوید: «تبع - آنچنانکه می‌پنداشتند - اولین شخصی است که خانه را جامه پوشانیده است»^۶

همچنین در روایات دیگری نیز آمده است که تبع کعبه را با جامه‌ای از چرم^۷ و برد یمانی^۸ و پلاس^۹ و برد راه^{۱۰} و جزاینها^{۱۱} نیز پوشانیده است. به نظر می‌رسد تبع جامه‌های یاد شده را در سالهای بعد، بر کعبه قرار داده است. لازم به یادآوری است که «تبع» نخستین شخصی است که بر

درنوردیدیم و ابن اقلود را در زنجیر
پیش ما آوردند.»

«آنگاه به شکرانه خدا خانه حرام خدا را
پوشانیدیم با قطعه‌های پارچه‌های فراوان
و بردهای یمانی.»

«و ده ماه در حرم ماندگار شدیم که بر در
آن کلونی قرار دادیم.»

«آنگاه به طواف هفتگانه برگرد حرم
پرداختیم و در مقام ابراهیم به سجده
افتادیم.»

«و در شعب شش هزار قربانی کردیم و
هجوم مردم را برای گرفتن گوشتهای
قربانی نظاره کردیم.»

«آنگاه به سوی سرزمین خود کوچ کردیم
و بیرق پیروزی خویش را همچنان
برافراشتیم.»

از این سروده چنین بر می‌آید که
«تبع» مدت ده ماه در مکه اقامت داشته، و
این غیر از آن است که ابن هشام در
سیره‌اش آورده و آن را شش روز دانسته
است.

تبع در مدت اقامت خویش، تعداد
شش هزار رأس قربانی را برای مردم ذبح
کرد. این جریان در حوالی سال ۲۲۰ پیش از
هجرت پیامبر ﷺ اتفاق افتاده است. از آن
پس مدتها جانشینان تبع یکی پس از
دیگری جامه کعبه مکرمه را با چرم و

کعبه در قرار داد و نیز بر آن کلیدی نهاد.

بدین منظور تبع در شعری پوشاندن
کعبه را افتخار خود دانسته و چنین سروده
است:

ورد الملك تبع و بنوه

ورثوهم جدوهم والجدودا

اذ جینا جیادنا من ظفار^{۱۲}

ثم سرنا بها مسیرا بعیدا

فاستبحنا بالخیل ملک قباذ^{۱۳}

و ابن اقلود^{۱۴} جاءنا مصفودا

فکسونا البیت الذی حرم الله

ملاء معضداً و برودا

واقمنا به من الشهر عسرا

و جعلنا لبابه اقلیدا^{۱۵}

ثم طفنا بالبیت سبعا و سبعا

و سجدنا عندالمقام سجودا

ونحرنه بالشعب ستّة ألف

فتری الناس نحوهن وروداً

و خرجنا منه الی حیث کنا

و رفعنا لواءنا معقودا^{۱۶}

«شاه تبع با فرزندان خود وارد گردید

و انتقام خود و پدرانشان را گرفت.»

«هنگامی که بر اسبان اصیل ظفاری سوار

شدند و آنگاه با آنها به راههای دوری

تاختند.»

«و در زیر سم اسبان سرزمین شاه قباد را

قباطی^{۱۷} می پوشانند.^{۱۸}

۲ - «جامه کعبه پس از تبغیان»

تاریخ نگاران پس از تبغ حمیری و جانشینان وی، در باره اینکه چه کسی جامه پوشاندن کعبه را بر عهده داشته و آن را به انجام می رسانیده، مطلبی ذکر نکرده اند. لیکن در اینجا می توان گفت مردم وقتی جامه های کعبه را که به وسیله تبغ و جانشینان او بر آن پوشانیده می شد، می دیدند هیچگاه اجازه نمی دادند که خانه مجرد از جامه باشد. و به نظر می رسد که - در دوران جاهلیت - به عنوان تقرب به پروردگار، جامه هایی را بر کعبه قرار می دادند. بدینصورت که هرکس قصد قرار دادن جامه بر کعبه را داشت، جامه نوین خود را بر جامه پیشین قرار می داد، بطوری که گاه بر روی کعبه چندین جامه از ابریشم و کتان و جامه های پشمین و جز اینها که از پارچه های معمول آن دوران بود قرار داده می شد. این مطلب را تاریخ نگاران در گفته ها و روایات خود فراوان آورده اند.

به همین مناسبت از ابن ابی ملیکه نقل کرده اند که گفته است:

«به من خبر رسیده است که در روزگار جاهلیت پوشش های گوناگونی بر کعبه قرار

می دادند. در آن هنگام معمولاً شترانی را که برای قربانی می آوردند، بر آنها جل های مختلف از پارچه های حبیری^{۱۹} و بردهای یمنی و دیگر پارچه های بافت یمن را می انداختند آنگاه تمامی این هدیه ها را به کعبه اهدا می کردند.

این مطلب غیر از قطعات خز و حبره و گلیم ها و جامه های پشمین است که معمولاً با مقداری از آنها کعبه را می پوشانند و باقی مانده آن را در گنجینه کعبه قرار می دادند تا هرگاه یکی از آن جامه ها فرسوده می شد، پوشش تازه دیگری را بر روی آن می انداختند. معمولاً هیچیک از جامه های فرسوده از کعبه بر گرفته نمی شد. همچنین مقداری خلو^{۲۰} و عودسوز هم به کعبه اهدا می گردید که دیواره های درونی و بیرونی آن را به وسیله خلو^{۲۰} اندود می کردند».

همچنین از «نوار» دختر «مالک بن صرمه» مادر «زید بن ثابت»، روایت کرده اند که گفت:

«پیش از آنکه زید بن ثابت را به دنیا آورم و هنگامی که از حمل او بی اطلاع بودم، جامه های گوناگونی از چادرهای خز به رنگ سبز و زرد و پارچه های موین ظریف و پوشش های معمول اعراب و پارچه های



بدینسان از سوی قبایل قریش تأمین می‌شد. تا آنکه «ابو ربیعه بن مغیره بن عبدالله بن مخزوم» به درجه بالایی از توانگری رسید. او که به جهت تجارت با یمن، بسیار توانگر و ثروتمند شده بود، به قریش گفت:

«من خود به تنهایی یک سال جامه کعبه و پوشش آن را به عهده می‌گیرم و سال دیگر شما همگی آن را بپوشانید.»

از آن پس نامبرده چنین می‌کرد. او تا زمانی که زنده بود پارچه حبری^{۲۲} بسیار نیکویی را از سرزمین «سکاسک» در یمن وارد می‌کرد و کعبه را با آن می‌پوشانید. قریش او را «عدل» نام نهادند؛ زیرا او مانند همه قریش به تنهایی جامه کعبه را بر عهده خویش قرار داد. آنان پس از او بر فرزنداناش نیز لقب «بنی عدل» اطلاق می‌کردند.^{۲۳}

پیش از اسلام و در دوران جاهلیت «خالد بن جعفر بن کلاب» بر شتری که در آن پارچه‌هایی از دیباج (ابریشم) حمل می‌شد، دست یافت. او این پارچه‌های سپید ابریشمی را به سوی کعبه فرستاد و بر آن آویخته شد. بدین ترتیب خالد بن جعفر بن کلاب نخستین کسی است که کعبه را با جامه ابریشمین نقش دار آراست.

در باره نخستین کسی که کعبه را با

ریزبافت را بر کعبه دیدم.»

و نیز «عطاء بن یسار»، از عمر بن حکم سلمی روایت می‌کند که می‌گفت:

«مادرم نذر کرده بود شتری را کنار کعبه قربانی کند. بدین منظور نامبرده دو جُل، که یکی از موی و دیگری از کرک بود، بر شتر انداخت. پس از آن شتر را قربانی کرد و با آن دو جل، بخشی از کعبه را پوشانید. در آن هنگام پیامبر ﷺ در مکه به سر می‌برد و هنوز از آن هجرت نکرده بود. پس من در آن زمان وقتی نظر به کعبه می‌انداختم، پوشش‌های کوچک گوناگونی را می‌دیدم که برخی از پشم و برخی دیگر از خز و از مو و کرک و سجاده‌های عراقی (دشت میثانی) بود.»^{۲۱}

گفتنی است که در دوران جاهلیت، تهیه و تأمین جامه کعبه تنها به وسیله افرادی که به عنوان تقرب و نزدیکی به پروردگار، پوشش‌هایی را بدان اهدا می‌کردند، نبود بلکه قریش با یکدیگر همیاری می‌کردند و بر کعبه جامه می‌پوشاندند.

در روزگار «قصی بن کلاب» برنامه‌ای تدوین گردید که بر اساس آن هر قبیله، مبلغی به اندازه توان خود می‌پرداخت. وضع تا مدت‌ها این چنین بود و جامه کعبه

جامهٔ دیبا پوشانید نیز روایتی وجود دارد؛ برخی او را «نتیله» دختر «حبان» و یا مادر «عباس بن عبدالمطلب» دانسته و گفته‌اند که وی نخستین شخصی بود که جامه‌ای از حریر و دیبا بر کعبه قرار داد. گفته‌اند که فرزند خردسال وی عباس و به روایت دیگری برادرش ضرار بن عبدالمطلب گم شد، پس مادر اشعاری را سرود و به دنبال او روان گردید:

أضلته أبيض لو ذعيا

لم يك لعلوبا ولا دعيا

أضلته أبيض غير خاف

للفتية الغر بنى مناف

ثم لعمر و منتهى الأضياف

سن لفهر سنة الإيلاف

فى القر يوم القر و الأضياف

اینجا بود که او نذر کرد در صورت پیدا شدن فرزندش، جامه‌ای را بر کعبه قرار دهد. تا اینکه سرانجام روزی مردی او را در «جزام» یافت و به نزد مادر آورد و او به نذر خویش وفا کرد.^{۲۴}

در توجیه دو روایت گذشته می‌توان گفت که: «خالد بن جعفر ابن کلاب» نخستین شخصی است که کعبه را به وسیلهٔ جامه‌ای از دیبا پوشانید و «نتیله» دختر «حبان» نخستین بانویی است که جامه‌ای

از دیبا^{۲۵} بر کعبه قرار داد. لازم به یادآوری است که روایت‌های دیگری نیز وجود دارد که کعبه مکرمه نخستین بار در اسلام به وسیله جامه‌ای از دیبا (ابریشم) پوشانیده شد. برخی از این گفته‌ها این چنین است که «یزید بن معاویه» یا «عبدالله بن زبیر» یا «عبدالملک ابن مروان»^{۲۶} و برخی دیگر نخستین افرادی بودند که جامه‌ای از ابریشم بر کعبه قرار دادند. و نیز از برخی روایات به دست می‌آید که «حجاج بن یوسف ثقفی» نخستین کسی است که کعبه را به وسیلهٔ جامه‌ای از دیبا پوشانید و این در حالی است که پیش از آن، کعبه به وسیلهٔ جامه‌ای از قباطی^{۲۷} و چرم پوشانیده می‌شده است.^{۲۸} به هر حال، با نقل این مطالب به این نتیجه می‌رسیم که عرب دوران جاهلی، عنایت و توجه ویژه‌ای بر پوشاندن جامه بر کعبهٔ مکرمه داشته و آن را از واجبات می‌دانسته‌اند. آنها همواره با این کار، نسبت به یکدیگر تفاخر و فضل فروشی داشته‌اند، تا آنجا که توانگران و آنانیکه در جامعهٔ خویش از فضل و برتری خاصی بهره‌مند بوده‌اند، نسبت به پوشاندن جامه بر کعبه، به یکدیگر پیشی می‌گرفته‌اند. همینطور برای ما روشن می‌شود که آنان طبق ذوق و



گفت: در سال فتح، بانویی برای خوشبو کردن کعبه عودسوزی را روشن کرد و به کنار کعبه آمد. شراره‌ای از عود سوز به جامه کعبه رسید و آن را سوزاند. این جامه از آن مشرکان بود و پس از آن بود که به وسیله مسلمانان جامه دیگری بر کعبه قرار داده شد.

پیامبر ﷺ جامه یمانی را بر کعبه پوشانیدند و پس از آن حضرت، ابوبکر جامه قباطی^{۲۹} را بر کعبه قرار داد.

سپس در روزگار عمر بن خطاب، از بیت‌المال جامه‌ای قباطی تهیه کردند و بر کعبه پوشانیدند. این جامه در دوران عمر و به فرمان وی در مصر بافته شد.

پس از عمر عثمان نیز همانگونه عمل می‌کرد، تنها با این تفاوت که در یکی از سالهای خلافت خود، به جامه قباطی کعبه اکتفا نکرد و جامه دیگری از برده‌های یمانی را بر آن پوشانید. در همین رابطه به «یعلی بن منبه» عامل خود در یمن دستور داد که آن را ساخته و به مکه ارسال نماید. بنابراین «عثمان بن عفان» نخستین کسی است که دو جامه یکی بر دیگری را در اسلام بر کعبه قرار داد.

اما [حضرت] علی بن ابیطالب را هیچیک از مورخان یاد نکرده‌اند که

سلیقه خویش و بدون هیچگونه محدودیت ویژه‌ای، بنابر توانگری و خواسته خویش، بدین کار اقدام می‌کرده‌اند.

و نیز بگونه‌ای بوده است که جامه‌های کعبه یکی پس از دیگری بر روی هم قرار می‌گرفته است و همچنان باقی می‌مانند تا اینکه به علت فرسودگی آنها را از روی کعبه بر می‌داشتند.

بخش دوم:

جامه کعبه مکرمه در دوران

دولتهای اسلامی

۱ - پوشش کعبه در دوران رسول خدا ﷺ و خلفا

پیش از آنکه در باره جامه کعبه در دوران دولتهای اسلامی سخن به میان آوریم، لازم است به این نکته اشاره کنیم که مسلمانان تا پیش از فتح مکه، فرصتی به دست نیاوردند که به این امر مهم اقدام نمایند؛ زیرا در آن زمان یعنی پیش از فتح مکه، سروری و بزرگی از آن مشرکان بود. و هیچیک از مورخان در این باره که مسلمانان پیش از فتح، درباره جامه کعبه اقدامی کرده باشند، مطلبی نیاورده‌اند.

از «سعید بن مسیب» روایت شده که

«امروز عاشورا است، روزی است که سال در آن به پایان می‌رسد و بر کعبه جامه پوشانیده می‌شود. این روز است که اعمال بندگان به آسمان برده می‌شود و من در چنین روزی روزه هشتم پس هر یک از شما دوست دارد این روز را روزه بگیرد.»

و نیز از «ابن جریر» روایت شده است که گفت: «در روزگاران گذشته، معمول این چنین بوده است که پس از رفتن آخرین نفرات حاجیان از مکه، جامه‌های دیبا بر کعبه می‌پوشاندند تا مردم شکوه و زیبایی را بر کعبه نظاره کنند و سپس در روز عاشورا جامه اصلی^{۳۲} آن را قرار می‌دادند. این مراسم در روزگار بنی‌هاشم معمولاً روز هشتم ذی‌الحجه (= روز ترویبه) بوده است. همچنین روایتی است از نافع که گفت: «هر گاه ابن عمر قصد آن داشت که محرم شود، در آغاز شتر خویش را به وسیله قباطی و حبره پوشانیده و سپس در عرفات آنها را بر خود قرار می‌داد، سپس در روز عید قربان لباس‌ها را از تن درآورده، نزد شیبۀ بن عثمان می‌فرستاد و او آن را بر کعبه قرار می‌داد.»

همچنین روایت شده است که کعبه را در هر سال دوبار جامه می‌پوشاندند؛ نخست جامه‌ای از دیبا و دیگر جامه‌ای از

جامه‌ای را بر کعبه قرار داده باشد. آنان علت این مطلب را درگیری آن حضرت در جنگ‌ها و فتنه‌های داخلی، که دولت اسلامی را پس از قتل عثمان گرفتار نمود، دانسته‌اند.^{۳۰}

برخی از صاحب‌نظران را عقیده بر آن است که از مجموع تعدادی روایت، چنین به دست می‌آید که رسول خدا ﷺ خود نخستین شخصی بود که کعبه را به وسیله جامه‌ای قباطی پوشانید؛ از جمله روایان «عبدالرزاق است که از ابن جریر نقل کرده، گوید:

«شنیدم که عمر کعبه را به وسیله جامه قباطی می‌پوشانید و چندین نفر به من گفتند که رسول خدا ﷺ کعبه را به وسیله جامه قباطی و روپوش سیاه پوشانیده است»

و نیز «أبو عروبه از [حضرت] حسن بن علی رضی الله عنه روایت کرده است که فرمود: نخستین شخصی که جامه قباطی بر کعبه قرار داد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.^{۳۱}

و اما اینکه در چه روزی از سال کعبه را جامه می‌پوشاندند؟ ازرقی از «خالد بن مهاجر» نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در روز عاشورا برای مردم خطبه خواند در آن خطبه فرمود:

معمولاً جامهٔ دیبا را در روز عاشورا و جامهٔ قباطی را در پایان ماه رمضان به عنوان شادی و آمادگی برای عید فطر، بر کعبه می‌پوشاندند.

معاویه همچنین مقرر نمود که به هنگام هر نماز، کعبه را آغشته به عطر کنند و آن را خوشبو سازند و بدین منظور نامبرده همه ساله در موسم حج و در ماه رجب عطر و خلوق و عود سوز برای کعبه ارسال می‌کرد و غلامانی را به مکه می‌فرستاد و به خدمت کعبه وا می‌داشت. وی از بیت المال هزینه‌ای برای روغن چراغ‌های مسجد مقرر کرد. بنابر آنچه گفتیم معاویه نخستین شخصی است که جامهٔ کعبه را در سال دو بار تعویض نمود. و باز او نخستین کسی است که بردگانی را به خدمت کعبه درآورد و از بیت‌المال روشنایی را به وسیلهٔ روغن به مسجد آورد. سپس خلفای دیگر و والیان همچنان به روش او ادامه دادند.^{۳۴} پس از معاویه، فرزندش یزید جامهٔ دیبای خسروانی را بر کعبه پوشانید و نگاه عبدالله بن زبیر، به هنگام خروج خود بر بنی امیه، بساط حکومت و قدرت خویش را بر مکه گسترد. در آغاز، ساختمان کعبهٔ مکرمه را آغاز کرد و در سال ۶۴ هجری وقتی از ساختمان آن فارغ گردید، ابتدا دیواره‌های

قباطی که نخستین پوشش در روز ترویبه (= هشتم ذی‌الحجه) انجام می‌گرفت و چنان بود که نخست بخش بالای کعبه را با جامهٔ دیبا می‌پوشاندند و بی‌آنکه آن را بدوزند آویزان می‌کردند، مانند دوران ما که کعبه به جامهٔ محرم گردیده است. سپس آن هنگام که حاجیان مراسم خود را به پایان برده و از منا به حرکت در می‌آمدند، جامه را می‌دوختند لیکن همچنان آن را از دسترسی حاجیان دور نگاه می‌داشتند؛ زیرا که آنان به عنوان تبرک آن جامه را پاره پاره می‌کردند تا آنگاه که روز عاشورا فرا می‌رسید جامهٔ اصلی را بر کعبه قرار داده و آن را به پیراهن قبلی افتاده بر کعبه می‌دوختند. این جامهٔ دیبا تا روز بیست و هفتم ماه رمضان همچنان بر کعبه بود و در آن هنگام جامهٔ قباطی را به عنوان استقبال از عید فطر،^{۳۳} بر کعبه می‌پوشانیدند.

۲- در دوران امویان

خلفای اموی اهمیت ویژه‌ای به جامهٔ کعبهٔ مکرمه می‌دادند، بطوری‌که معاویه بن ابی سفیان، در هر سال دوبار بر کعبه جامه می‌پوشانید:

۱- جامهٔ قباطی به روش عمر

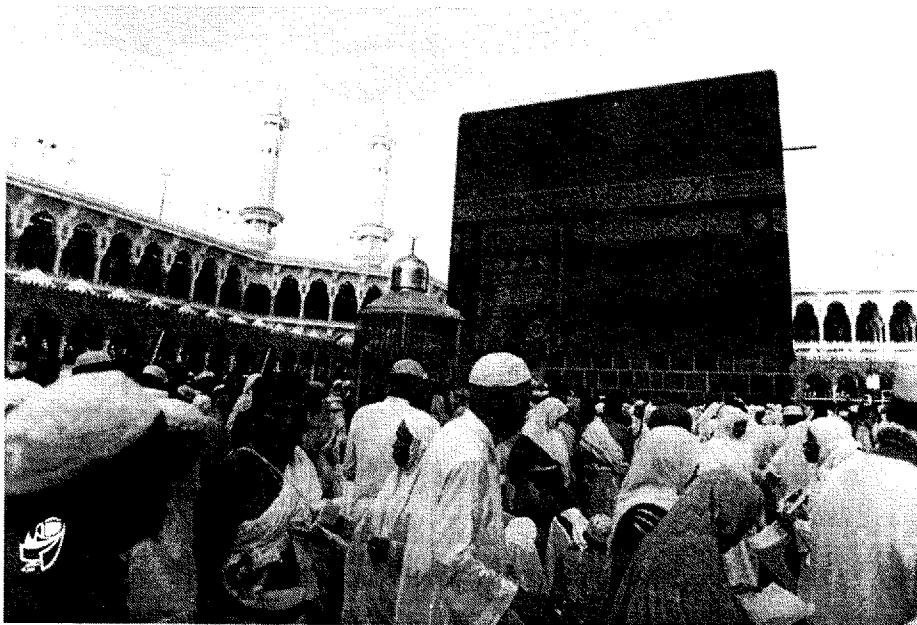
۲- جامه‌ای از دیبا.

کعبه پوشانید. در اینجا این مطلب به نظر جالب آمد که برخی افراد، هدف قرار دادن جامه بر کعبه به وسیله حجّاج این بوده است که وی پس از حمله به مسجدالحرام و آسیب رساندن به خانه کعبه به وسیله منجنیق و کشتن ابن زبیر، از سوی برخی تکفیر گردید، از این رو پس از آن برای رفع شبهه و زدودن این کار زشت از اذهان عمومی، دست بدین کار زد.

عبدالملک بن مروان نیز همه ساله جامه‌ای از ابریشم خالص را ابتدا از راه مدینه منوره به مسجد رسول خدا ﷺ ارسال

درونی و بیرونی کعبه را از بالا تا پایین به وسیله مشک و عنبر خوشبو ساخت و سپس آن را با جامه‌ای قباطی، و نیز گفته شده است با جامه‌ای از دیبای خسروانی، پوشانید. ابن زبیر همه ساله فرستاده‌ای را به سوی برادرش «مصعب» گسیل می‌داشت تا جامه را برای او آماده و ارسال نماید. و بدین ترتیب باید گفت که ابن زبیر نخستین شخصی است که از خلوق در درون کعبه استفاده نمود.

پس از ابن زبیر، «حجاج بن یوسف ثقفی» جامه‌ای از دیبای خسروانی را بر





خلیفه، یک روز همچنان بدان صورت باقی ماند سپس آن را پیچیده و بر روی کعبه قرار دادند.^{۳۶}

و نیز در دوران «هشام بن عبدالملک» کعبه به وسیلهٔ جامهٔ دیبای ضخیمی پوشانیده شد. این در حالی بود که در زیر جامهٔ یاد شده، جامه‌های دیگری که از ساخته‌های یمن^{۳۷} بود، قرار داشت.

ماوردی می‌نویسد: «بنی‌امیه در دوران خویش، گاهی از راه جزیره‌ای که از نجرانیها^{۳۸} می‌گرفتند، جامه‌هایی را برای کعبه تهیه می‌کردند و جامهٔ دیگری از دیبا را بر روی آن جامه‌ها قرار می‌دادند.»^{۳۹} جامهٔ کعبه تا پایان دوران امویان، همواره سالی دو بار بدان ارسال می‌گردید که در اینجا لازم به ذکر است که جامه قبایطی از دوران «عمر بن خطاب» به صورت رسمی در مصر بافته شده و به مکه ارسال می‌گردید.

می‌کرد و چند روزی آن را بر روی ستونهای جای جای مسجد می‌آویختند، سپس آن را پیچیده، به سوی مکهٔ مکرمه گسیل می‌داشت. همچنین نامبرده عطر و انواع خلوق و عود سوز را نیز همه ساله به همراه جامهٔ کعبه به مسجد پیامبر ﷺ و کعبهٔ مکرمه می‌فرستاد.^{۳۵} پیش از این در مورد نخستین شخصی که جامه‌ای از دیبا بر کعبه پوشانید مطالبی آوردیم.

در سال ۹۱ هجری ولید بن عبدالملک به هنگام آمدن به مکهٔ مکرمه، که در آن وقت خلافت را از آن خویش کرده بود، جامه‌ای را برای کعبه به همراه خویش آورد. این جامه را در آغاز بر روی بندهای مسجد الحرام آویختند؛ زیرا جامهٔ یاد شده از گرانبهاترین انواع پارچه‌های دیبا در دوران خود به شمار می‌آمد که تا آن زمان به یقین، در نوع خود بی‌نظیر بود. این جامه به دستور

● پی‌نوشتها:

- ۱- خصف (حصیر) پوشش ضخیمی است که به وسیلهٔ برگ درختان نخل بافته می‌شد و مردمان حجاز از آن همواره در موارد مختلفی؛ مانند فرش کردن زمین خانه‌های خود یا مساجد بوده بهره می‌جستند.
- ۲- نک: شفاء العزام بأخبار البلد الحرام، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان (بدون تاریخ) جلد اول ص ۱۱۹ و ۱۲۰؛ ابن ظهیره قرشی مخزومی، «جامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البيت الشریف»، چاپ اول، چاپخانهٔ عیسی البابی الحلبی، قاهره ۱۳۴۰هـ. در سال ۱۹۲۱م. ص ۱۰۵

- «اسعد ابو کرب تبعی» یکی از پادشاهان «یمن» است که نام سلسله پادشاهان آنان «تباعه» و مرکز فرماندهی آنان در یمن بوده که به معنای داشتن پیروان فراوان است.
- بنا به گفته روایات، اسعد با آگاهی از ظهور پیامبر اسلام، پیشتر به آن حضرت ایمان آورده بود. از این رو در برخی روایات آمده که پیامبر ﷺ فرموده است «لا تسبوا تبعاً فانه کان قد أسلم»؛ «تبع را ناسزا نگویند زیرا او اسلام را پذیرفته بود.» گفته می‌شود تبع یکی از پنج پادشاهی است که تمامی جهان قدیم را از یمن تا حیره و از حیره تا سمرقند فتح کرده و تحت تسلط خویش درآورد. (سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۰۲) «مترجم»
- ۳- نوشته محب‌الدین طبری، القری لقاصد ام‌القری چاپ اول، قاهره ۱۳۶۷ هـ ۱۹۴۸ م، ص ۴۷۲؛ ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار چاپ سوم بیروت، لبنان ۱۳۸۹ هـ ۱۹۶۹ م، ج ۱، ص ۲۴۹ و اوالعباس احمد بن علی القلقشندی، صبح الأعشی فی صناعة الانشا، نوشته چاپ قاهره، سلسله تراثنا، ج ۴، ص ۲۷۷.
- ۴- الحصف: بافته‌ای که از برگ درختان نخل به وجود آمده و همواره مردمان حجاز به عنوان زیرانداز در خانه‌های خود و مساجد به کار می‌بردند، (مترجم).
- ۵- در اصل نام مکانی است که پارچه‌ای به همین نام می‌یافت.
- ۶- سیره ابن هشام، با بازنگری و مقدمه طه عبدالرؤف سعد، دارالجلیل، بیروت (بدون تاریخ) ج اول، ص ۲۰ و ۲۱.
- ۷- «الانطاع»، جمع نطع بوده که پوششی از چرم به شمار می‌آمده است.
- ۸- «غضب» به فتح عین و سکون صاد به بردهای یمانی گفته می‌شده است که قسمتی از رشته‌های آن رنگ‌آمیزی شده و سپس با تارهای بدون رنگ به هم بافته می‌شد که در پایان حالتی راه راه را به خود می‌گرفت.
- ۹- «مسوح» جمع مسح است که پارچه‌ای ضخیم از پشم بوده است.
- ۱۰- «الحبرات» جمع حبره است که به پارچه‌های برد یمانی راه راه گفته می‌شده و مردمان یمن از آن برای خویش لباس تهیه می‌کرده‌اند.
- ۱۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱ ص ۲۵۰؛ محب‌الدین طبری القری لقاصد ام‌القری ص ۴۸۲؛ قطب‌الدین حنفی، الاعلام بأعلام بیت‌الله الحرام چاپ مکتبه العلمیه در مکه مکرمه (بدون تاریخ) ص ۶۹ و ابن‌ظهيره الجامع اللطیف ص ۱۰۴ و ۱۰۵.
- ۱۲- «ظفار»، یکی از شهرهای قدیمی سرزمین یمن بوده که هم اکنون تپه‌های باقیمانده آن نیز وجود دارد. لازم به تذکر است که امروزه سرزمینی بدین نام در کنار آن قرار دارد.
- ۱۳- «قیاذ»، یکی از پادشاهان ایرانی بوده که در زبان فارسی به «قباد» نام داشته است.
- ۱۴- «ابن اقلود» یکی از فرمانروایان شام و یا عراق بوده است.
- ۱۵- «اقلید» همان کلید است.



- ۱۶- ابیات چهارم، و پنجم و ششم را ازرقی در کتاب خود؛ «اخبار مکه» جلد اول، صفحه ۲۵۰، و نیز ابن ظهیره در «جامع اللطیف»، ص ۱۰۴ و ۱۰۵ آورده است. اما ابیات دیگر را ابراهیم رفعت پاشا در کتاب «مرآة الحرمين، چاپ اول، دارالکتب مصری در قاهره به سال ۱۳۴۴ هـ = ۱۹۲۵ م. جلد اول، ص ۲۸۱ و نیز یوسف احمد در کتاب «المحمل والجح» که به وسیله چاپخانه حجازی در قاهره به سال ۱۳۵۶ هـ = ۱۹۳۷ م. جلد اول، ص ۲۳۲ و ۲۳۳ آورده‌اند.
- ۱۷- قباطی، پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مصریان بافته می‌شده است. (مترجم)
- ۱۸- محمد لیب البتوننی، الرحلة الحجازیه، چاپخانه جمالیة مصر، چاپ دوم به سال ۱۳۲۹ هـ ص ۱۳۴ و ۱۳۵.
- ۱۹- حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم‌اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند. (مترجم).
- ۲۰- عطرها گیاهی خوشبوکننده مانند عود و عنبر را گویند. (مترجم)
- ۲۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۰ و ۲۵۱ و نیز نک: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره جامع اللطیف، ص ۱۰۵؛ محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۱ و ص ۴۷۳؛ قلقشندی، صحیح الأعشی، ج ۴، ص ۲۷۹.
- ۲۲- حبری، روپوش یا پارچه‌های سیاه رنگ را گویند. هم‌اکنون کشیشان مسیحیت از این نوع روپوش به عنوان عبا بر روی شانه‌های خویش می‌اندازند. (مترجم)
- ۲۳- قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹.
- ۲۴- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱.
- محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام‌القری، ص ۴۷۳.
- ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۲۸۲.
- ۲۵- دیباج، پارچه ابریشمی خالص را گویند. (مترجم)
- ۲۶- نظر افکنید به: ازرقی: اخبار مکه ج ۱ ص ۲۵۳.
- ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۵.
- ۲۷- قباطی: به پارچه‌های سپید و ظریفی اطلاق می‌شده است که این پارچه‌ها بافته مصریان در آن دوران به شمار می‌آمده است. (مترجم)
- ۲۸- فاسی: شفاء الغرام ج ۱ در حاشیه صفحه ۱۲۰.
- ۲۹- قباطی جمع قبطیه (به ضم قاف) پارچه‌های سپید و ظریفی بوده که به وسیله مردمان مصر بافته می‌شده است. این پارچه‌ها منسوب به قبطیان بوده است و ضم در اینجا، نسبت این پارچه به آنان بوده اما در مردم قبطی (به کسر قاف) می‌باشد شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۱.
- ۳۰- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳.

- فاسی، شفاء الغرام، ج ۱ ص ۱۲۰ و ۱۲۱
 قطب‌الدین حنفی، الأعلام، ص ۶۹.
- ۳۱- حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمة، چاپ دوم، دار تهامة، جده ۱۴۰۲ هـ = ۱۹۸۲ م. ص ۲۵۰.
- ۳۲- در متن روایت کلمه «أزار» آمده و به نظر می‌رسد جامعه‌ای که در روز هشتم بر کعبه پوشانده می‌شد تنها به عنوان زیبایی بوده برنامه پوشش و جامعه اصلی در روز عاشورا بوده است. «مترجم»
- ۳۳- نک: ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۵۳؛
 محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام القرى، ص ۴۷۵
 قطب‌الدین حنفی، الاعلام، ص ۶۹
 ابن ظهیره، جامع اللطیف، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.
- ۳۴- ازرقی: اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۴؛ فاسی: شفاء الغرام، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن ظهیره: جامع اللطیف، ص ۱۰۹ و ۱۱۰
- ۳۵- ازرقی: اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۵؛ محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام القرى، ص ۴۷۴؛ قلقشندی: صبح الأعشى، ج ۴، ص ۲۷۹
- ۳۶- حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبة المعظمة، ص ۲۵۵
- ۳۷- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، چاپ دوم دار المعارف، قاهره ۱۹۷۶ م. ج ۸، ص ۱۳۳
- ۳۸- حیشه، «مترجم».
- ۳۹- قلقشندی، صبح الاعشى، ج ۴، ص ۲۷۹؛ یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۳۷؛ محمد طاهر بن عبدالقادر الکردی، تاریخ القویم لمکة و بیت‌الله الکریم، مکتبة النهضة الحدیث، در مکه مکرمه، ج ۴، ص ۱۹۳